

سیر تاریخ‌نگاری شیعه در پنج قرن نخست براساس دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی

nilsaz@modares.ac.ir

arajaei@chmail.ir

نصرت نیل‌ساز / استادیار دانشگاه تربیت مدرس

کمال‌الفضل رجائی فرد / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: ۹/۱۱/۱۲ پذیرش: ۲۷/۴/۹

چکیده

علم تاریخ در میان شیعیان از چه اهمیتی برخوردار بوده است؟ چه موضوعات تاریخی توجه آنان را در ادوار نخست برانگیخته است؟ سیر هرگونه تأییفی در بستر زمان و نقش حوزه‌های حدیثی در شکل‌گیری آن به چه صورت بوده است؟ این پرسش‌ها مسائل این پژوهش بهشمار می‌آید تا در پرتو آن، تاریخچه علم تاریخ در میان شیعیان و نظرگاه آنان به این علم روشن گردد. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که برای مؤلفان و مورخان شیعی، غالباً تاریخ تشیع (یعنی: زندگانی ائمه اطهار^۱) بر تاریخ جهان اسلام اولویت داشته است. بدین‌روی، وقایعی که رابطه تنگاتنگی با تاریخ تشیع داشته مطمح نظر عالمان شیعه برای تأییف اثر بوده است. سیر تاریخی تأییف آثار نشانگر آن است که شکل‌گیری هریک از موضوعات تاریخی در بستر زمان، روند یکسانی نداشته و با اقبال و ادب از سوی عالمان مواجه بوده است. همچنین حوزه‌های حدیثی شیعه در شکل‌گیری این آثار نقش‌های متفاوتی با یکدیگر داشته‌اند و در مجموع، تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده نخست، مرهون تلاش‌های عالمان مراکز علمی حوزه عراق، بهویشه مکتب کوفه، بوده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، حوزه‌های حدیثی، فهرست نجاشی، فهرست شیخ طوسی، پنج قرن نخست.

مقدمه

ارجاعات مکرر به این دو اثر خودداری شده است، همچنین چون در بیان سیر تاریخی - جغرافیایی تأییفات، نیاز به زمان و مکان مؤلفان وجود دارد و در دو فهرست مذکور تاریخ وفات و جغرافیای مکان مؤلفان در بیشتر موارد ذکر نشده یا تنها به یکی از این دو اشاره گردیده، نگارنده برای کشف زمان و مکان مؤلفان، از سایر کتب رجال و تراجم بهره گرفته است. از این‌رو، فقط در مواردی که زمان و مکان مؤلف خارج از این دو فهرست باشد، بالافصله بعد از ذکر تاریخ وفات یا مکان مؤلف، منع استفاده شده ذکر گردیده است.

۱. گزارشی اجمالی از تاریخ نگاری و تاریخ نگاران

شیعه در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی
براساس دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی شروع فعالیت عالمان شیعه در عرصه تاریخ نگاری، به پیش از دوران تدوین رسمی علوم اسلامی (نیمه نخست قرن دوم) بازمی‌گردد. سده نخست هجری عصر پرمحنتی برای شیعیان بود و آنان از آزادی عمل برخوردار نبودند، اما تأییفات نگاشته شده در همین دوره، که نامشان در فهارس منعکس گردیده، از تأثیرنپذیری آنان از جو حاکم بر آن دوران (منع نگارش) حکایت دارد؛ چنان که طبقه‌بندی زمانی آثار تاریخی دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی مصدق بارزی از این دوران است. برای نمونه کتاب سلیمان قیس هلالی (۷۶ق)، جدای از آنکه عالمان شیعه آن را نخستین اثر در میان آثار متقدمان شیعه بر شمرده‌اند (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۷۵)، ذکر مسائلی چون، وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم و دوران خلافت امیرمؤمنان علی نشان از ساختار تاریخی این کتاب دارد. بنابراین، باید تأییف آن را سرآغازی بر تالash عالمان شیعه در زمینه تاریخ نگاری به‌شمار آورد. از این‌رو، باید گفت حوزه تاریخ نگاری جزو نخستین حوزه‌هایی بود که عالمان شیعه بدان اقبال کردند و در آن دست به تأییف زندن و حضورشان در این زمینه در سده‌های بعد چشمگیر بود، به‌گونه‌ای که در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی، از ۱۵۷ عالم شیعی در این عرصه نام برده شده است که اهمیت و جایگاه حوزه تاریخ را نزد عالمان شیعه می‌رساند.

گزارش نجاشی و شیخ طوسی از ۱۵۷ عالم تاریخ نگار شیعه و تأییفات آنها در این پنج قرن، هرچند شباهت‌های زیادی به هم دارد،

شیعیان همواره در ادوار تاریخ، به رغم محدودیت‌ها و خطرات فراوان، در حفظ میراث علمی شیعه، چه به شکل شفاهی و چه مکتوب، بسیار کوشیدند. تلاش‌های مستمر آنان در شرایط زمانی و مکانی متفاوت (کوفه، بغداد، بصره، قم، ری، سمرقند) و در حوزه‌های تأییفی گوناگون، هزاران اثر ارزشمند به دنبال داشت. هرچند اکنون تمام این میراث علمی در اختیار نیست، ولی فهرست نگاران متقدمی همچون شیخ طوسی و نجاشی به میزان دسترسی شان، به گزارش این میراث مکتوب تا اواسط سده پنجم هجری پرداختند؛ گنجینه‌ای بالغ بر هزاران نگاشته در عرصه‌های گوناگون علوم اسلامی، اعم از نفسیر، فقه، کلام و مانند آن. در این میان، تاریخ نگاری از نخستین حوزه‌هایی است که توجه مؤلفان و مورخان شیعه را به خود معطوف داشت و نگارش آثار متعدد در اعصار گوناگون از سوی آنان، اهمیت و جایگاه حوزه تاریخ را در نظام اندیشه شیعیان نشان می‌دهد. اینکه در دوره‌های زمانی در طول این پنج سده، چه موضوعاتی سبب انگیزه عالمان شیعه در تأییف بوده و شکل‌گیری هریک از این موضوعات در بستر زمان چه روندی را طی کرده و توجه کدام حوزه‌های حدیثی شیعه را به خود جلب نموده و چه عملکردی را از سوی این حوزه‌ها در قبال آن موضوعات، به دنبال داشته است، مسأله‌ای است که این مقاله در صدد تبیین و بررسی آن است.

در خصوص پیشینه این تحقیق، می‌توان به پژوهش‌هایی همچون منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، نوشتۀ محمد رضا هدایت پناه (۱۳۹۵)؛ تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم، اثر علی امامی خر (۱۳۸۳)؛ تاریخ نگاری شیعیان در سده‌های نخست نگاشته منصور دادش نژاد (۱۳۸۶)؛ و مقتل نگاری شیعیان از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری، از محمد جواد یاوری سرتختی (۱۳۸۶) اشاره کرد. در این نوشتار، برخلاف پژوهش‌های انجام گرفته، سعی شده است سیر نگاشته‌های تاریخی شیعیان اغلب بر محور ادوار مهم تاریخ بررسی شود و در هر برده، تأییفات متناسب با آن دوره تاریخی حتی‌المقدور بر اساس موضوع دسته‌بندی گردد؛ و سیر تاریخی تأییفات در هر موضوع با در نظر گرفتن حوزه جغرافیایی آن بیان شود. لازم به ذکر است به سبب امکان جست و جو از طریق نرم افزارها و برای پرهیز از طولانی شدن مقاله، از آنچاکه در ذکر مؤلفان و تأییفات‌شان، مینا دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی بوده، از

۲. سیر نگاشته‌های تاریخی شیعیان در پنج قرن نخست
 محققان، کتاب‌های تاریخی را براساس موضوعات آن به چند دسته تقسیم کرده‌اند: مانند سیره‌نگاری، انساب‌نگاری، تواریخ عالم، تاریخ‌نگاری محلی، تاریخ‌نگاری دودمانی و غیر آنها (در این‌باره، ر.ک: روزنال، ۱۳۶۵؛ آینه‌وند، ۱۳۸۷). اما همان‌گونه که بیان گردید، این نوشتار بر آن است تا بیشتر تأییفات تاریخی در بستر ادوار مهم تاریخ بررسی شود. بررسی آثار تاریخی شیعیان نشان می‌دهد که تأییفات ایشان به‌طورکلی، حول دو بازه زمانی نگارش یافته است:

- (۱) تاریخ پیش از اسلام
- (۲) تاریخ پس از اسلام.

۳. دوره پیش از اسلام

تاریخ انبیای گذشت، جنگ‌های پیش از اسلام (ایام‌العرب) و قبایل عرب و همچنین انساب موضوعاتی هستند که تاریخ نگاران شیعه در پنج سده نخست در خصوص آنها تأییفات متعددی به نگارش درآورده‌اند.

۱-۳. تاریخ انبیاء

تاریخ انبیاء، که اجمالی از آن در آیات متعدد قرآن بازگو و بدان توجه داده شده (انعام: ۱۱؛ طه: ۱۱۰؛ قمی، ۱۴۰۴، ج، ۱، ص: ۱۹۳؛ ج، ۲، ۱۴۵)، و ائمه اطهار^{۱۱} نیز بدان اهتمام داشته‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ج، ۲، ص: ۱۶۳؛ نیز، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج، ۱۱، کتاب النبوة) به عنوان شاخه‌ای از علم تاریخ توجه مؤلفان شیعه را نیز برانگیخته است. نگاه به تأییفات نگاشته‌شده در این زمینه، در دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی روشنگر آن است که از اواسط قرن سوم، «مکتب کوفه» در عراق و «مکتب اهواز» در ایران، نخستین گام‌ها را در شکل‌گیری آثاری مستقل در این خصوص برداشت‌هاند، و علی‌بن مهزیار/هوژی با نگارش کتاب الائیاء در ایران و حسن‌بن موسی الخشاب با اثری به همین عنوان در کوفه (طوسی، ۱۴۰۹، ج، ۲۰۹) آغازگران تأییف در این عرصه هستند.

در ادامه و تا انتهای همین سده، روند نگارش این دسته از آثار از دو مکتب کوفه و قم خارج نشد؛ چنان‌که آثار محمدبن/حمدیان یحیی‌الشعری قمی (مح ۳۷۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص: ۴۳۸)، حمیدیان حسین‌بن سعید/هوژی (مات بقم و قبره بها – نجاشی، ۱۴۰۸، ج، ۱۸۱)، ابراهیم‌بن سلیمان نهمی کوفی (مح ۲۸۰ق) (همان،

اما تفاوت‌هایی نیز دارند. در فهرست شیخ طوسی، از ۴۹ عالم تاریخ‌نگاری که نجاشی از آنان در فهرست خود یاد کرده، نامی به میان نیامده است (نجاشی، ۱۴۰۸، ج، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۷۵، ۱۵۵، ۳۱۲، ۴۹۱، ۱۱۲۷، ۱۰۱۷، ۹۱۲) در مقابل، عدم اشاره نجاشی به تاریخ نویس که در فهرست شیخ طوسی از آنان یاد شده (طوسی، ۱۴۲۲، ش: ۱۱۰، ۱۶۰، ۲۲۱، ۲۳۲، ۳۰۱، ۳۵۰، ۳۵۰، ۴۴۹، ۴۰۵، ۸۷۴، ۴۴۹، ۴۰۵، ۸۷۴، ۱۴۲۲) از جمله این تفاوت‌هاست.

نکته جالب توجه آن است که در میان افرادی که شیخ طوسی و نجاشی از آنان یاد نکرده‌اند، دو چهره مشهور در تاریخ‌نگاری، یعنی هشام‌بن محمدبن سائب کلبی (م ۲۰۶ق) و ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۴ق) به چشم می‌خورد که اوی راشیخ طوسی یاد نکرده است و دومی رانجاشی. در گزارش این دو فهرست در معرفی آثار ۹۸ مؤلف مشترکی که هر دو از آنها نام برده‌اند نیز اختلاف مشاهده می‌شود. شیخ طوسی هر چند از ۳۶ مؤلفی نام برده که نجاشی نیز از آنان یاد کرده، اما به تأییفات تاریخی که نجاشی برای آنان ذکر نموده، مطلقاً اشاره‌ای نداشته است (نجاشی، ۱۴۰۸، ج، ۶۴، ۷۲، ۸۴، ۱۴۶، ۹۴۹، ۹۴۳، ۹۱۷، ۸۸۸، ۶۱۹، ۵۵۵، ۳۳۰، ۱۹۰، ۱۱۰۹، ۱۱۸۱، ...) و همین شیوه برای نجاشی درباره ۴ نویسنده قابل ذکر است (طوسی، ۱۴۲۲، ج، ۱۱۹، ۱۹۳، ۵۶۰، ۵۶۲، ۶۵۲). در این بخش، عدم یادکرد شیخ طوسی از تأییفات دو تاریخ‌نگار نام آشنای قرن چهارم، عبدالعزیزبن یحیی جلودی (م ۳۳۲)، (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج، ۱۰، ص: ۱۲۵) و علی‌بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ق) جالب توجه است. شیخ طوسی درباره جلودی تنها به این حد اکتفا کرده: «له کتب فی السیر و الأخبار» در خصوص مسعودی همین اندازه هم نیاورده و به عبارت «له کتاب» بسنده می‌کند.

بخش دیگر اختلاف گزارش نجاشی و شیخ طوسی به یاد نکردن همه آثار تاریخی مؤلفان بازمی‌گردد؛ بدین صورت که شیخ طوسی در خصوص ۱۵ مؤلف، تنها از برخی تأییفات تاریخی آنان نام برده (طوسی، ۱۴۲۲، ج، ۱۶۴، ۳۷۹، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۹۴، ۷۷۳، ۷۷۹، ...) و نجاشی نیز در یک فاصله اندک از شیخ طوسی، به هیچ یک از کتب تاریخی نوشته شده توسط ۱۳ مؤلف شیعه اشاره نکرده است (نجاشی، ۱۴۰۸، ج، ۷۱، ...).

عالمان ایام در دسترس نیست (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۷) و آنچه باقی مانده حاصل تدوین عالمان عصر اسلامی است، آن هم بر پایه اقوال شفاهی (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۱۳)، ولی با وجود این، برای پی بردن به افکار و عقاید اعراب در دوره جاهلی و نیز آگاهی از شیوه زندگی و روابط میان قبایل (جنگ و صلح‌ها)، روایات ایام العرب منبع مهمی بهشمار می‌آیند (سجادی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۹۲).

از سوی دیگر، اگرچه آنچه از نوع تاریخ در میان اعراب رواج داشته انساب و ایام و حروب بوده (زیرین کوب، ۱۳۸۷، ص ۸۴) و خاطره این ایام، نخستین ذهنیت تاریخی آنان را شکل می‌دهد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۱۴)، ولی ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که ماهیت روایات ایام‌العرب، که توسط شاعران با دید قبیله‌گرایانه در پشت جبهه‌های نبرد ساخته می‌شد و در قالب شعر و داستان وارد ادبیات دوران جاهلیت می‌گشت (سجادی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۹۲)، با وجود آنکه دارای عناصر تاریخی است، اما به سبب فقدان عنصر تاریخی میان نقل‌های این واقعی مشاهده نمی‌شود و از این‌رو، صرفاً به حوزه ادبیات تعلق دارد (روزنگار، ۱۳۶۵، ص ۳۳). البته این مطلب (تاریخی نبودن حوادث ایام‌العرب) را نباید به مثابه ناکارآیی آن در تاریخ نگاری اسلامی تلقی کرد. دلیل این امر اثراًگذاری این اقوال در نگارش کتب مغایزی و فتوحات است.

اگرچه در میان نگاشته‌های پرشمار تاریخی شیعیان، تالیفات فراوانی در این زمینه دیده نمی‌شود، ولی با این حال، هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۶ق) (ابن‌نديم، بي‌تا، ص ۱۰۸)، که نجاشی از او به «العالم بالآیام» یاد کرده و نیز محمدبن خالد برقی (م ۲۲۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۷) عالمانی هستند که آثاری را در دو مکتب کوفه و قم به منصه ظهور رساندند. از جمله این تالیفات، می‌توان به کتاب اخبار رییعه و البسوس و حروب تغلب و بکر؛ کتاب اخبار بنی تغلب و آیامهم و انسابهم؛ کتاب حروب الأوس و الخزرج؛ کتاب بنی حنیفه (کتاب ایام بنی حنیفه – ابن‌نديم، بي‌تا، ص ۱۰۹) تألیف هشام کلبی؛ و کتاب حروب الأوس و الخزرج، تألیف برقی اشاره کرد.

علاوه بر این دو، مسعودی در قرن چهارم در کتاب *مروج‌الذهب* به طرح مباحث ایام‌العرب در سایر کتاب‌های خود اشاره کرده است؛ مطالبی همچون، یوم هباء، یوم کلاب، یوم ذی قار، جنگ‌های ذیان و غطفان و جنگ‌های داحس و غبراء (مسعودی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۱).

ص ۴۰۸)، و علی بن حسن بن فضال کوفی (مح ۲۹۰ق) (نجاشی، ۱۴۰۸ق، پاورقی، ج ۲، ص ۸۳) گویای آن است. در این میان، دو مؤلف مکتب کوفه تک‌نگاری‌هایی همچون کتاب *امداد‌العماد* و کتاب *اخبار بنی اسرائیل* را به طور خاص درباره تاریخ امتهای انبیای سلف به رشتۀ تحریر درآورده؛ کاری که مسعودی (م ۳۴۶ق) (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۰) در قرن چهارم در بخش‌هایی از کتاب *مروج‌الذهب* بدان همت گماشت. در قرن چهارم، از ابتدا تا اواسط آن، بیشترین تلاش‌ها را در این زمینه عالمان حوزه ایران رقم زندن. حوزه‌های قم، سمرقند و قزوین در این دوره شاهد تالیفات عالمانی همچون علی بن ابراهیم قمی (ازنده تا سال ۳۰۷ق)، محمدبن مسعود عیاشی (مح ۳۲۰ق) (بغدادی، بي‌تا، ج ۲، ص ۳۲) و علی بن حاتم قزوینی (ازنده در ۳۵۰ق) درباره تاریخ انبیا است. همچنین در میان مؤلفان مذکور، علی بن ابراهیم قمی و عیاشی دو تن از مفسرانی هستند که اخبار مربوط به انبیاء در آثار تفسیری شان منعکس گشته است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۹). آثار شیعیان در زمینه تاریخ پیامبران براساس گزارش شیخ طوسی و نجاشی از نیمه اول قرن چهارم تجاوز نمی‌کند و آخرین تالیف گزارش شده در این باره، مربوط به مکتب کوفه و عالم این دیار، یعنی علی بن احمد کوفی (م ۳۵۲ق) است؛ شخصی که به گفته نجاشی و شیخ طوسی در آخر عمر، دچار انحراف در عقیده گشت و به غلو روی آورد. از این‌رو، نگاشته‌هایش از سوی آنان فاقد اعتبار قلمداد شده است. (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۶۸۹؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۳۸۹) هرچند پس از علی بن احمد تأثیف مستقلی درباره تاریخ انبیاء به رشتۀ تحریر درنیامد؛ ولی مورخی همچون مسعودی در اثرش *اخبار الزمان من الأمم الماضية والأحوال الخالية* – که حاجی خلیفه از آن با تبیر «كتاباً كبيراً» یاد کرده (حاجی خلیفه، بي‌تا، ج ۲، ص ۱۶۵۸) – فصلی را به تاریخ انبیا سلف اختصاص داده (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۳۰)؛ همچنان که این امر در آثار شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) نیز انکاس یافته است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

۲-۳. ایام‌العرب

هرچند اطلاعات درباره «وقایع بزرگ و درگیری‌های شدید میان قبایل عرب» (ایام‌العرب) (حاجی خلیفه، بي‌تا، ج ۱، ص ۲۰۴) اندک است و آگاهی دقیقی مبنی بر وجود مکتوباتی در این باره توسط

قیله»، با تألیفات متعدد خود، از جمله: کتاب بجیله و انسابها و اخبارها و اشعارها، کتاب خشم و انسابها و اشعارها و کتاب النواقل من العرب و هو کتاب المثالب در بغداد (همان) روند نگارش این دسته از تألیفات را در حوزه عراق پیگیری کردند.

آنچه در نیمه دوم این قرن جلب توجه می‌کند تألیف نخستین اثر در خصوص انساب اهل بیت با عنوان کتاب نسب آل ابی طالب توسط یحیی بن حسن علوی (م ۳۷۷ق) (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق)، ج، ص ۳۷۸) است.

واخر قرن سوم در مصر (بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۷) علی بن احمد علوی عقیقی (م ۳۹۹ق) کتابی را نگاشته شیخ طوسی به نقل از ابن عبلون درباره مطالب این کتاب چنین آورده است: «فی احادیث العقیقی مناکیر». قرن چهارم مصادف است با شروع فعالیت حوزه ایران در نگارش کتب انساب و تألیف کتابی با عنوان *أنساب الأئمة و مواليدهم إلى صاحب الأمر* در منطقه آمل (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۰) توسط حسن بن علی اطرش (م ۳۰۴ق) (همان). در این قرن بار دیگر در حوزه عراق البته این بار در حوزه بصره، عبدالعزیز بن یحیی جلوی (م ۳۳۲ق) آثاری را به کتابت رساند. آخرین تألیف بنا به گزارش نجاشی و شیخ طوسی مربوط است به نیمه دوم این سده با عنوان کتاب *نسب ولد معدین عدنان ولمع من أخبارهم وأيامهم* که علی بن محمد شمشاطی (م بعد ۳۷۷ق) آن را به رشته تحریر درآورد در تحلیل سیر نگارش‌ها در این حوزه می‌توان گفت که بیشتر انساب‌نگاری‌ها در سده سوم هجری بوده و در میان حوزه‌های حدیثی، حوزه عراق بیشترین نقش را در شکل‌گیری این دسته از آثار بر عهده داشته است.

در جمع بندی و تحلیل تألیفات دوره پیش از اسلام، باید گفت: نگارش تاریخ انبیاء و با اندک فاصله‌ای انساب‌نگاری عمده اقبال عالمان را به تألیف اثر به خود معطوف ساخت و اندک آثار در حوزه ایام‌العرب، از عدم دغدغه‌مندی شیعیان در این زمینه حکایت دارد.

از سوی دیگر، در خصوص این سه موضوع، در سده دوم و پنجم هجری شاهد تألیف هیچ اثری نیستیم و در تمام موضوعات، تألیف آثار از قرن سوم به بعد آغاز گردیده است. درباره نقش حوزه‌های علمی شیعه در نگارش این دست از آثار، باید گفت: تنوع مراکز علمی شیعه بسیار چشمگیر است و فعالیت عالمان کوفه، بغداد، بصره، قم، اهواز، سمرقند، قزوین و آمل مؤید این معناست. به تفکیک باید گفت: در میان این مراکز، نقش مکتب کوفه بسیار

۳-۳. انساب‌نگاری

نگاه اسلام با دیدگاه‌های دوره جاهلیت به علم انساب متفاوت بود اسلام با نگاهی اصلاح طلبانه به علم انساب نگریست و به تغییر نگرش نسبت به آن اقدام نمود. نفی تقاضه و تکاثر بی‌مبنای دوران جاهلیت و تشویق انسان‌ها به شناخت از یکدیگر، نگاه سلبی و نگاه ایجابی اسلام به این علم بود. در روایات نیز یادگیری انساب برای صلة رحم لازم شمرده شده است (آئینه‌وند، ۱۳۸۷، ۱، ص ۲۲۶-۲۲۷). (علمی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

عن النبی ﷺ قال: «تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصْلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۴).

ضرورت استفاده از علم انساب در برخی احکام اسلامی، مثل مسئله ارث، و همچنین اهمیت حفظ انساب اهل بیت پیامبر ﷺ از دیگر عوامل توجه اسلام به این علم است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۶۹). همین نگاه سبب گردید تا هشت تن از عالمان شیعه به نگارش آثاری در این زمینه رغبت نشان دهند و تألیفاتی را بنگارند. بررسی این آثار در دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی گویای آن است که قرن سوم و مکتوبات هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۶ق) سرآغاز شکل‌گیری انساب‌نگاری در میان شیعیان است.

نگارش تألیفات متعددی همچون: کتاب *الجمهرة*، کتاب *المذیل*، کتاب *أنساب الأئمة*، کتاب *نسب الائمه من قبائل العرب*، کتاب *اجزاء الخيل*، کتاب *اخبار تنوح و أنسابها*، کتاب *اخبار قريش*، که کتاب اخیر را بن نديم به عنوان *نسب قريش* یاد کرده است (ابن نديم، بی‌تا، ص ۱۱۰). از سوی هشام، ضمن آنکه وی را پیشگام انساب‌نگاران قرار داد، حوزه عراق و مکتب کوفه (کحاله، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۴۹) را نیز پیش‌پراوی حوزه‌های حدیثی در این زمینه نمود. توصیف وی به آگاهترین افراد به علم انساب از سوی ابن قتیبه (دینوری، ۱۹۶۹، ص ۵۳۶) در مقام نظر، و بهره‌گیری قاسم بن سلام (م ۲۲۴ق) از کتب وی در اثرش *النسب* (علمی، ۱۳۹۳، ص ۹۵) و نیز استفاده بن حجر عسقلانی از کتاب *الجمهرة او در الإصابة* (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۴۸) در مقام عمل، بیانگر جایگاه والای او در این علم است. محمد بن سلمه پیشکری (م ۳۳۰ق) (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۶، ص ۱۴۷) با دو کتاب خود در مکتب کوفه، و / و حمد بن ابراهیم بن حملون کاتب (م ۳۴۱ق) (بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸)، که از ندیمان متولی بود و نجاشی درباره او آورده است: «کان خصیصاً بسیدنا آبی محمد العسکری و آبی الحسن».

۱-۱-۴. سیره‌نگاری

کتاب‌های سیره از نخستین گونه‌های تاریخی هستند که از قرن نخست هجری محل توجه عامه تاریخ‌نگاران مسلمان بوده است. هرچند این تألیفات در ابتدای امر به «مغازی» مشهور بودند، اما تمام مطالب آن در زمینه عنوان کتاب (مطالب جنگی) نبود (راون، ۱۳۹۱، ص ۶؛ سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۹)، و دیری نپایید که عنوان «سیره» بر این دسته از آثار نهاده شد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸). مورخان مسلمان اگرچه در سیره نویسی از قرآن کریم الگو گرفتند؛ اما محققان، سابقه تاریخ بومی اعراب (ایام‌العرب) را در شکل‌گیری این دسته از آثار مؤثر می‌دانند (راون، ۱۳۹۱، ص ۱۰)؛ همان‌گونه که بخش دیگری از این سبقه کهن تاریخی (علم انساب) را نیز در آن اثرگذار دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۳۰؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۸۱). اینکه نخستین تلاش‌های انجام‌شده در خصوص کتب سیره از سده اول هجری شروع گردید و به آغازین کتاب سیره جامع و منظم از سوی محمدبن اسحاق بن یسار (م ۱۵۱ق) در مکتب مدینه ختم گردید، از جمله زوایای روشن تاریخ‌نگاری اسلامی است (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

در باب سیره‌نگاری در جامعه شیعه به‌طور خاص، باید گفت که در کنار اهتمام به تعلیم سیره نبوی در دوره امام سجاد[ؑ] (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۹۷) و نقل‌های متعدد در خصوص سیره آن حضرت از سوی امام باقر[ؑ] (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۳)، اصحاب و مؤلفان مکتب اهل‌بیت[ؑ] نیز در ادوار گوناگون، به نگارش آثاری در این زمینه مبادرت ورزیده‌اند. بخش سیره پیامبر در سیزده سال مکه، که از آن در تألیفات تاریخ‌نگاری به «مبعث» یاد می‌گردد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸)، محتوای نخستین اثر (یا جزو اولین تألیفات) سیره نگاری شیعیان محسوب می‌شود که نجاشی با ذکر کتاب صیعث‌النبوی[ؑ] و اخباره، اثر عبدالله بن میمون بن قداح مکی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱) (مح ۱۴۸ق) از آن نام برده است. در همین ایام/بوم‌خف/ازدی (م ۱۵۷ق) (جموی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۷، ص ۴۱) در مکتب کوفه با نگارش «کتاب المغازی» ادامه سیره نبوی از بعد هجرت را (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸) به تصویر کشید. بررسی دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی بیانگر ادامه فعالیت عالمند مکتب کوفه در سیره نگاری است که نمود برجسته آن، دومین کتاب جامع سیره‌نگاری بعد از سیره‌این‌اسحاق است.

پرنگ و درخور توجه است؛ به گونه‌ای که شروع نگارش‌ها در تمام مباحث، از این شهر بوده و بیشترین تألیفات نیز به همین مرکز تعلق دارد. البته عالمان این دیار خود در تألیف کتاب در خصوص این سه مبحث عملکردهای متفاوتی نشان داده‌اند؛ مثلاً در نگارش «تاریخ انبیاء»، در دو قرن سوم و چهارم، مؤلفان کوفی فعال بودند؛ اما در دو مبحث «ایام‌العرب» و «انساب‌نگاری» تنها در سده سوم شاهد نگارش اثری در این مکتب هستیم. دیگر مراکز علمی حوزه عراق، مثل بغداد و بصره، نقش کم‌فروغی در این دست آثار داشته‌اند و این امر از مشارکت عالمان این دو مرکز تنها در نگارش کتب انساب قابل مشاهده است. نقش عالمان حوزه ایران در نگارش این سه مبحث نیز متفاوت بود؛ چنان‌که در تألیف کتاب‌های ایام‌العرب و انساب، تنها شاهد حضور یک مؤلف در هریک از این دو مبحث هستیم که – به ترتیب – محمدبن خالد برقی و حسن بن علی/اطروش در دو مکتب قم و آمل به این مباحث توجه داشته‌اند. اما در تألیف تاریخ انبیاء، حضور مراکز علمی حوزه ایران در دو قرن سوم و چهارم بسیار جلب توجه می‌کند. در میان مراکز علمی ایران، در نگارش این دسته از کتب تاریخی، نقش مکتب قم بیش از دیگر مراکز به چشم می‌آید.

۴. دوره پس از اسلام

در دوران پس اسلام نگاشته‌های مؤلفان و مورخان شیعه بر محور پنج دوره مهم سامان یافته است: ۱. دوران پیامبر؛ ۲. دوران خلفا؛ ۳. دوران ائمه اطهار[ؑ]؛ ۴. دوران بنی‌امیه؛ ۵. دوران بنی عباس. لازم به ذکر است که هرچند دوران زندگانی ائمه اطهار[ؑ] در سرتاسر دوران پیامبر[ؑ] تا دوره عباسی پراکنده است اما از آن‌جاکه در اندیشه شیعیان، مقام امامت و ولایت ائمه ارتباطی با در رأس حاکمیت سیاسی قرار گرفتن آنان ندارد و امامت ایشان در دوران اموی و عباسی نیز وجود داشته است، بدین‌روی، تاریخ زندگانی آنان به‌طور مستقل، به‌عنوان دوره‌ای از تاریخ شیعه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. دوره پیامبر اکرم[ؐ]

دوره پیامبر[ؐ] نخستین دوره از ادوار تاریخ نگاری پس از اسلام به‌شمار می‌آید. سیره‌نگاری و همچنین تکنگاری‌های نگاشته در خصوص شخصیت‌های معاصر دوره نبی اکرم[ؐ] موضوع تألیفات تاریخی مؤلفان شیعه در خصوص این دوره زمانی است.

نوشته حسین بن محمد ازدی (مح ۲۷۳ق)؛ همچنین کتاب *المبتدأ*، کتاب *المغازی* و کتاب *السیرة*، نگاشته های ابراهیم تقفسی کوفی بخشی از این تلاش هاست.

ذکر این نکته نیز لازم است که /حمدین محمدین خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) هرچند اثر مستقلی را در این باره به تأییف نرساند، اما در کتاب جامع خود، یعنی *المحاسن*، بخشی را با عنوان «کتاب المغازی» به بحث سیره اختصاص داده است (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۱۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۶۵). البته در نسخه ای امروزی از این

کتاب، بخش مزبور وجود ندارد.

حوزه عراق در قرن چهارم با حضور عالمان کوفی همچون مندرین محمدین ابی جهم قابوی (مح ۳۰۳ق) و /حمدین محمدین عمار (م ۳۴۶ق)، که آثاری مانده: *وفود العرب إلى النبي* و *اخبار النبي* را نگاشتند و همچنین عبد العزیز بن یحیی جلوی از بصره با تأییف کتاب های متعدد و حسین بن علی بزوفری (مح ۳۵۵ق) با نگارش کتاب *سیرة النبي والآئمه في المشرکین*، بسان سده گذشته، حضوری فعال از خود به نمایش گذارد. در حوزه ایران نیز علی بن ابراهیم و /حمدین محمدین دول قمی و شیخ صلوق - به ترتیب - با تأییف آثاری همچون *المغازی*، *خصائص النبي*، *وصاف النبي*، تلاش هایی در ابتداء، اواسط و انتهای این قرن از خود به نمایش گذاشتند.

آنچه در تحلیل این دسته از کتب - به اختصار - باید گفت این است که سیر تأییف کتب سیره بعد از قرن دوم، که تنها در دو شهر مکه و کوفه آغاز گردید، در سده بعد، با استقبال مراکز حدیثی شیعه در عراق و ایران مواجه گشت و همین روند نیز با اندک تفاوت در قرن چهارم ادامه یافت. اما در خصوص نگارشی در این زمینه در سده پنجم از سوی نجاشی و شیخ طوسی گزارشی ذکر نشده است. در خصوص نقش حوزه های حدیثی نیز باید گفت که سیره نگاری در میان شیعیان مرهون تلاش های مستمر عالمان حوزه عراق و بهویژه مکتب کوفه بوده است.

۴-۱-۲. تکنگاری در باره معاصران پیامبر

نگارش کتاب در باره شخصیت های مطرح عصر پیامبر نشان از اهمیت نقش و جایگاه این افراد در آن دوره و در اندیشه عالمان شیعه دارد. بررسی کتاب های نوشته شده در این زمینه، نشانگر آن است که بیشتر افرادی که مؤلفان شیعه در باره آنها دست به نگارش زده اند از خویشاوندان آن حضرت محسوب می گردیدند. خدیجه

کتاب *المبتدأ* و *المغازی* و *الوفاة والردة* اثر ابان بن عثمان احمر (م ۲۰۰ق) (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۷)، که نجاشی از آن با تبییر «حسن کبیر» یاد کرده، کتابی است که اهمیت و شهرتش را باید از سفر /حمدین محمدین عیسی - از اعاظم مکتب قم - به مکتب کوفه دریافت. نجاشی در ضمن ترجمه حسن بن علی بن وشاء، از حضور /حمدین محمدین عیسی در کوفه و ملاقاتش با ابن وشاء برای اخذ کتاب ابان بن عثمان یاد می کند (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۷۹).

با توجه به طرقی که نجاشی و شیخ طوسی برای این کتاب آورده اند، معلوم می شود، وی به نسخه این وشاء از کتاب ابان اکتفا ننموده و این اثر را از /حمدین محمدین ابی نصر بن زنطی دیگر عالم کوفی نیز دریافت کرده است؛ نسخه ای که هم نجاشی و هم شیخ طوسی برخلاف نسخه این وشاء بدان دست یافته (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۷؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۶۲). کتاب ابان در همین دوره، از مصادر تاریخ یعقوبی به شمار آمده و همچنین معلوم است که این کتاب تا اوایل قرن ششم، در دسترس بوده؛ زیرا طبرسی در *اعلام السوری* از آن استفاده کرده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲-۱۷۳).

در همین دوره، عالم سنتی مذهب مدینه یا بغداد، ابوالحنتری (م ۲۰۰ق) (ابن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۳۲۷)؛ که شیخ طوسی در شرح حال عبد الله بن یحیی (طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۷۷۹) از او به «صاحب المغازی» یاد کرده، به نگارش کتاب *صفات النبي* اقدام نمود. در ادامه قرن سوم، عماره بن زید خیوانی (مح ۳۲۰ق) (از روایات به دست می آید که وی امام هشتم و نهم را درک کرده است. طبری، ۱۴۱۳، ص ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۲) در مکتب مدینه (همان، ص ۲۰، ح ۱۷۱) کتاب *المغازی* خود را به رشتة تحریر درآورد. در کنار فعالیت عالمان حوزه عراق - که در این قرن بغداد نیز بدان اضافه گردید - مانند حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ق)، ابوالحسن مدائی و هارون بن مسلم بن سعادان، حسن بن خرزاد قمی (مح ۳۵۴ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۶) با کتاب *أسماء رسول الله* حوزه ایران را به دیگر حوزه های فعال در این زمینه پیوند داد. بجز این اثر و کتاب سلمه بن خطاب (مح ۷۰ق) در مکتب ری، شاهد فعالیت دیگری از عالمان حوزه ایران در این قرن نیستیم. برخلاف حوزه ایران، حوزه عراق، اعم از کوفه، بغداد و بصره، تا آخرین سال های قرن سوم به فعالیت چشمگیر خود در این قرن ادامه داد که تأییفاتی همچون کتاب *صفة النبي*، اثر حسین بن فرج بغدادی؛ کتاب *الوفود على النبي*،

میان عامه و خاصه در خصوص ایمان آن بزرگوار، احتمال آنکه بخشنی از این تأیفات جنبه کلامی داشته باشد دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

۴-۲. دوره خلفا

بخشی از تأیفات مؤلفان شیعه مربوط به دوران خلفاست. این آثار مجموعه‌ای از کتاب‌های سیره خلفا، شخصیت‌های معاصر با آنها و حوادث آن دوره را دربر می‌گیرد.

۴-۲-۱. تاریخ خلفا

در باب تاریخ خلفا، تعداد اندکی از مؤلفان شیعه دست به تأییف زده‌اند. درواقع، اقبال صورت گرفته درباره نگارش اثری در این زمینه، بیشتر از سوی مورخان شیعه، همچون /بومحنف (م ۱۵۷)/، براهیم بن محمدبن سعید تقی و جلویی صورت پذیرفته است. مقتل خلیفه سوم، نوشتۀ /بومحنف نخستین اثری است که در این باره به رشته تحریر درآمد. پس از آن، در قرن دوم، شاهد بی رقبتی عالمان شیعه در این عرصه هستیم، تا اینکه بار دیگر در انتهای قرن سوم، براهیم بن محمدبن سعید تقی (م ۲۸۳) و عیسی بن مهران مستعطف در دو مکتب کوفه و بغداد (همان، ج ۴، ص ۴۰۶) به نگارش آثاری درباره خلیفه دوم و سوم مبادرت ورزیدند. روند این آثار در ابتدای قرن چهارم، با تأییف عالم حوزه سمرقد آغاز می‌گردد. مؤلف مشهور و مستبصر این سرزمین، یعنی محمدبن مسعود عیاشی علاوه بر آنکه حوزه ایران را به جمع مؤلفان این دست از کتب تاریخی اضافه کرد، نخستین کسی است که درباره سیره هر سه خلیفه نخست، دست به نگارش زد. البته لازم به توضیح است که شیخ طوسی این کتب را محصول قبل از مستبصر شدن عیاشی دانسته است. آخرین مؤلف در این زمینه، که به طور گسترده به تأییف اقدام نمود عبد‌العزیزین یحیی جلویی بصری است. وی علاوه بر تاریخ دو خلیفه اول، به جمع آوری خطبه‌ها و نامه‌های خلفا نیز پرداخته است.

نکته جالب توجه درباره این دسته از کتب، حضور کاملاً کم‌رنگ حوزه ایران و عدم حضور و بی‌رقبتی مطلق مکتب قم است. از سوی دیگر، برای مؤلفان شیعه در این دسته از کتب، بحث از جریان کشته شدن عثمان، که در تاریخ اسلام تبعات بسیاری به دنبال داشت، بسیار مورد توجه بود، چنان که به غیر از عیاشی سایر مؤلفان به نگارش اثری در این باره اقدام کردند و اینکه عیاشی در این باره کتابی

کبریٰ، عبدالمطلب، عباس بن عبد الله پدر پیامبر، ابوطالب، حمزه سید الشهداء، عباس بن عبدالمطلب، جعفرین ابی طالب، ام هانی (دختر ابوطالب) از جمله این افرادند. همچنین برای مورخ مطرح همچون عبد‌العزیزین یحیی جلویی پرداختن به دو تن از حکما و شعرای عصر جاهلیت، اکثم بن صیفی و امیة ابی‌الصلت، که دوره ظهور اسلام را نیز درک کرده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۲) عاری از اهمیت نبوده است. نگارش‌های صورت‌گرفته در خصوص این افراد از نیمة دوم قرن سوم با تأثیفی درباره ابوطالب، عمومی پیامبر، توسط فردی از طبقه دعیل خزانی (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ابن حجر عسقلانی سال وفات وی را ۲۵۷ ذکر کرده است – ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۵۰) به نام عبد الله بن حمد بن حرب عبدی (ابوهفان) در مکتب بغداد (همان) آغاز گردید.

اما بیشتر تأییفات در این زمینه در قرن چهارم به رشته تحریر درآمد. در سده چهارم، در آغازین سال‌های آن، در مکتب قم، سعدی بن عبد الله اشعری (م ۲۹۹/۳۰۱) کتاب فضل ابی طالب و عبدالمطلب و ابی‌النبوی را نگاشت. پس از او، در آمل حسن بن علی اطروش کتاب فصاحة ابی طالب را نگاشت. در حوزه عراق، در این قرن، بصره پیشگام بود و جلویی کتاب اخبار جعفرین ابی طالب، اخبار العباس، اخبار حمزه بن عبدالمطلب و ذکر خدیجه و فضل اهل بیت را به نگارش درآورد. سپس عالمی کوفی /حمد بن محمد کوفی (م ۳۴۶)/ کتاب ایمان ابی طالب را نوشت. در انتهای این سده هم در مکتب کتاب ایمان ابی طالب را نوشت. در انتهای این سده هم در بغداد، سهل بن احمد دیباچی (م ۳۸۰) کتابی به همین عنوان به همراه اثری با نام خدیجه و عقبها و ازواجها را به منصه ظهور رساند. پایان تأییفات در این عرصه، در دو مکتب ری و بصره رقم خورد. در ری شیخ صدوق کتاب فی عبدالمطلب و عبد الله و ابی طالب را نگاشت، و در بصره علی بن بلاط مهلبی (م ۳۹۳) کتاب السیان عن خیره الرحمن فی ایمان ابی طالب و آبائه النبی را کتابت کرد.

درباره مشارکت حوزه‌های حدیثی در نگارش این دسته از آثار، باید گفت: در حوزه عراق، همه مکتب‌های حدیثی، اعم از کوفه، بغداد و بصره حضوری فعال دارند. هرچند در این میان، نقش عالمان بصره به ویژه مورخ شهیر این سرزمین، یعنی عبد‌العزیزین یحیی جلویی برجسته است. در حوزه ایران، عده فعالیت‌ها در مکتب قم صورت پذیرفته است. ذکر این نکته نیز لازم است که در میان تک‌نگاری‌ها نگاشته شده سه‌هم ابوطالب عمومی پیامبر بیش از دیگران است. گرچه به واسطه اختلاف

ورزیدند. از میان تألیفات صورت گرفته، تنها بخش هایی از کتاب جوهری در *شرح نهج البالغه* ابن ابی الحدید باقی مانده است. محقق معاصر آقای محمد‌هادی امینی این بخش‌ها را گردآوری کرده و در کتابی با عنوان *السقیفه* و فدک به طبع رسانده است.

مسئله ارتضاد بعضی قبایل عرب پس از ماجراهای سقیفه، که نشئت‌گرفته از انگیزه‌های عقیدتی و نیز سیاسی بود و زمینه درگیری‌های خون‌باری را در دوران خلیفة اول فراهم آورد، موضوع بخش دیگری از تألیفات تاریخی عالمان شیعه با عنوان «کتاب الرده» گشت. پرداختن به این مسئله بسان برخی از موضوعات، که جنبه تخصصی می‌یابد، تنها مطمح نظر چهار تن از تاریخ‌نگاران مطرح شیعه در قرن دوم و سوم بود؛ افرادی همچون: ابومحنف، ابی‌الحسن بن عثمان، هشام کلبی و ابراهیم تقی.

کتاب‌های فتوح نگاری انکاس دهنده بخش دیگری از حوادث دوران خلفاست. مطالب این دسته از کتب، که ابومحنف و هشام کلبی به عنوان نخستین تاریخ‌نگاران شیعه به آن پرداخته‌اند عبارت است از: «ییان نحوه گشایش سرزمین‌ها و کشورهایی... که پس از پیامبر» به کوشش مجاهدان مسلمان، در عصر خلفای راشدین به صلح یا به جنگ به تصرف اسلام درآمده است» (آئینه وند، ۱۳۸۷، ۲۱۶). محققان بر این باورند که مؤلفان کتب فتوح در نگارش این دسته از آثار خود، از روایات ایام العرب تأثیر پذیرفته‌اند و استقاده از شعر، تکیه بر قصص و داستان، بهره‌گیری از عنصر قهرمان‌پروری و توصیف تفصیلی و جزئی میادین جنگ را از جمله شواهد مدعای خود می‌دانند (قائدهان، ۱۳۹۰، ص ۷۷، ۸۴، ۸۷، ۹۰). در میان شیعیان، ابومحنف کتاب *فتوح الإسلام*، *فتوح العراق* و *فتوح خراسان* را نگاشت؛ و هشام کلبی کتاب *فتوح العراق*، *فتوح الشام*، *فتوح خراسان* و *فتوح فارس* را تألیف کرد.

یکی دیگر از حوادث مهم دوران خلافت که برای عالمان شیعه از اهمیت زیادی برخوردار بوده، مسئله شورای شش نفره‌ای است که خلیفة دوم تعین کرد. اهمیت این حادثه برای شیعیان بسان واقعه سقیفه، از آن روز است که در این ماجرا نیز مسئله جانشینی پیامبر» مطرح است. عالمان شیعه از قرن دوم تا انتهای قرن چهارم، تألیفاتی را تحت عنوان «*كتاب الشورى*» قلم زده‌اند. کتاب عمروبن ابی المقدام از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق در مکتب کوفه (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۶۵ و ۲۴۸). نخستین اثر در این

ندارد و حساسیتی نسبت بدان نداشته احتمالاً به خاطر آن است که وی سایر کتبی را که درباره خلفاً نوشته، متعلق به دوره‌ای است که وی معتقد به مذهب عامه بوده و در دیدگاه آنان، شاید سیره خلفاً از اولویت بیشتری برخوردار است تا مقتل آنان. اما برای شیعیان که کشته شدن خلیفة سوم را دارای ارتباط تنگانگی با دوران امامت امیرمؤمنان می‌دانند، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

۲-۲-۴. معاصران دوره خلفا

کتاب‌های گزارش شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی حکایت از قلت تألیفات در این باب دارد. در میان چهار مؤلفی که در این زمینه دست به نگارش زده‌اند، سه مؤلف، یعنی علی بن مهزیار/اهوازی، ابراهیم بن اسحاق نهانولی (زنده در ۲۹۵ق) و خضری بن حملون بادرائی (زنده در ۳۴۷ق)، درباره صحابه جلیل‌القدر پیامبر، ابوذر غفاری، اثری مستقل به رشتة تحریر درآورده‌اند. همچنین اقدام به نگاشتن اثری مستقل درباره شاعری به نام عمروبن معلی کرب (۲۱م) برای تاریخ‌نگاری همچون جلویی که همت خود را صرف ثبت تاریخ کرده است، امری بدیهی به نظر می‌رسد.

۳-۲-۴. حوادث دوران خلفا

جریان سقیفه، (این واقعه چون زمینه‌ساز دوران خلافت شد، در این بازه زمانی قرار گرفته است). جنگ‌های رده، بحث از فتوحات و همچنین مسئله شورا از دیگر موضوعاتی است که توجه عالمان شیعه را برانگیخته و درباره آن آثاری را به نگارش درآورده‌اند.

جریان سقیفه، که مهم‌ترین اتفاق بعد از رحلت پیامبر محسوب می‌شود، از آنجاکه به مهم‌ترین رکن شریعت، یعنی «امامت» جامعه بعد از رسول اکرم مربوط است، برای شیعیان اهمیت خاصی دارد. بدین روی، از ابتدای عصر تدوین علوم اسلامی، مؤلفان شیعه به تأثیف آثاری در این باره همت گمارده‌اند و به این امر در طول اعصار متمادی ادامه داده‌اند.

در قرن دوم، در کوفه ابومحنف و ابی‌الحسن عثمان (مح ۱۸۳ق)؛ در قرن سوم، در بغداد/بوعیسی و راق (۲۴۷م)، و در کوفه ابراهیم بن محمد تقی؛ و در قرن چهارم، در بصره (جوهری، بی‌تا، ص ۳۳) احمدبن عبد‌العزیز جوهری (۳۲۳م) (همان)؛ و در بغداد/حمدبن ابراهیم ابی رافع (مح ۳۵۵ق) به خلق آثاری در این زمینه مبادرت

(م) ۳۸۱ق): کتاب بیعته علی^{۲۷}، نگاشته ابراهیم تقی، کتاب خلافته^{۲۸} و کتاب عماله و ولاته^{۲۹}، نوشته جلویی، مورخ قرن چهارم؛ و کتاب موضع قبیر امیر المؤمنین^{۳۰} از محمدبن بکران رازی. اما آنچه در بررسی این تألیفات جلب نظر می کند تعداد قابل توجه آثار عالمان شیعه در خصوص جنگ های آن حضرت است. جنگ جمل، صفين و نهروان و نیز بحث از حکمیت، که در دل جریان صفين نهفته، برای مؤلفان شیعه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است؛ به گونه ای که موضوع نخستین تألیفات تاریخی نوشته شده پس از کتاب سلیمان بن قیس هلالی، درباره این سه جنگ است، و جابرین یزید جعفی (۱۲۸م) در مکتب کوفه (ابن غصائی)، ۱۳۶۴، ص ۵۰) با نگارش سه اثر کتاب الجمل، کتاب صفين و کتاب النهروان شاهدی است بر صدق این مدعای کتاب صفين، ابان بن تغلب (۱۴۱م) کتاب الجمل، مصبح بن هلقام عجلی (مح ۱۴۸ق)، کتاب الجمل، کتاب صفين و کتاب النهر، ابو مخنف (۱۵۷م) و تألیفات سه گانه هشام کلبی (۲۰۶م) به همین نام، نشانگر حضور فعال و پرنشاط عالمان مکتب کوفه است (در خصوص کوفه بودن مصبح بن هلقام، ر.ک: برقی، ۱۳۴۲، ص ۳۸)؛ چنان که می توان گفت: قرن دوم، قرن مکتب کوفه در تأییف این دسته از آثار است. نگاه به مؤلفان سده سوم هجری حکایتگر حضور سایر مراکز حوزه عراق در کنار کوفه در تأییف این دسته از آثار است. آثار نصرین مزاحم (۲۱۲ق) (تستری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۲) همچون کتاب صفين، که تا به امروز باقی مانده، و کتاب مسنند امیر المؤمنین^{۳۱} و اخباره فی الجمل و صفين و النهر و فضائله و تسمیه من روی عنه من اصحابه، عامی مذهبی چون یعقوب بن شیبیه (م ۲۶۲ق) (بغدادی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۷) در کنار کتاب الحروب لأمیر المؤمنین^{۳۲} هم کیش خود ابوالحسن مدائی (۲۲۴م) (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۴) در بغداد (همان) و کتب متعدد اخباری بر جسته مکتب بصره (نجاشی)، آثار متعدد ابراهیم تقی در کوفه روشنگر مطلب فوق است.

قرن چهارم و ابتدای پنجم نیز بسان سده های گذشته، نشان دهنده حضور کمرنگ حوزه های ایران – بجز تأییف شیخ صدوق – در این بخش از نگارش های تاریخی است. در مقابل، این دو قرن همانند دو سده قبل، همچنان از حضور فعال عالمان حوزه های عراق، اعم از کوفه، بغداد و بصره خبر می دهد. از میان

زمینه است. به فاصله اندکی پس از وی، ابو مخنف به نگارش در این باره پرداخت و تا انتهای قرن سوم، که ابراهیم تقی دست به قلم فرسایی در این باب زده شاهد فعالیت عالمی در این عرصه نیستیم. در قرن چهارم، عالمان بر جسته ای چون جلویی، ابن عقده (۳۳۳ق) و شیخ صدوق به جمع مؤلفان در این حوزه پیوستند.

در تحلیل این دسته از کتب، باید گفت: آنچه بیش از هر چیز دیگری جلب توجه می کند حضور فراگیر حوزه عراق و به ویژه مکتب کوفه در شکل گیری و تداوم این دسته از آثار است؛ چنان که از یازده مؤلفی که در این عرصه قلم زده اند، شش تن از مکتب کوفه بوده اند از سوی دیگر، در خلق همه انواع این دسته از آثار، بدون استثناء، کوفه مرکز اصلی بوده است. اما سایر مراکز حوزه عراق وضع مشابهی ندارند؛ به گونه ای که در هریک از دو مکتب بغداد و بصره تنها دو مؤلف دست به نگارش زده اند. در مقابل، حوزه ایران از کمترین نقش – تنها مکتب ری – در نگارش این دسته از کتب تاریخی برخوردار است که نشان دهنده بی رغبتی عالمان این حوزه نسبت به این امر بوده است.

۴-۳. تاریخ ائمه اطهار^{۳۳}

بررسی دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی نشانگر علاقه و اهمیت عالمان شیعه به دوران زندگانی ائمه اطهار^{۳۴} است. این توجه از سوی آنان در قالب اثر (تاریخ) مستقل درباره هریک از ایشان یا تأییف اثری جامع درباره همه آن بزرگواران، خود را بروز داده است.

۴-۳-۱. اثر (تاریخ) مستقل

بررسی دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی حکایت از آن دارد که تقریباً برای بیشتر ائمه معمول^{۳۵} اثر مستقلی با عنوانی گوناگون به رشتہ تحریر درآمده است، هر چند از لحاظ کمیت تفاوت هایی گاه فاحش به چشم می خورد. برای مثال، سرتاسر زندگانی امیر المؤمنان^{۳۶} از سوی مؤلفان شیعه قابل توجه بوده است؛ چنان که آثار مستقل فراوانی از تولد تا وفات آن حضرت وجود دارد. در مقابل، درباره زندگانی امام کاظم^{۳۷} جز یک اثر شاهد تأییف دیگری نیستیم.

آثار مستقل عالمان شیعه در خصوص امام علی^{۳۸} ابعاد گوناگون زندگی ایشان را دربر می گیرد؛ نگاشته هایی که از دوران ولادت آن حضرت تا تعیین موضع قبر آن بزرگوار را شامل می شود. بخشی از آنها عبارتند از: کتاب مولد امیر المؤمنین^{۳۹}، اثر شیخ صدوق

اخبار فاطمه و الحسن و الحسین **اثر ابن ابی ثلح (م ۲۵۳ق)**؛ اخبار فاطمه **نوشته حمد بن محمد صولی (زنده در ۳۵۳ق)** که شیخ طوسی از آن با تعبیر «کتاب کبیر» یاد کرده؛ و همچنین کتاب اخبار فاطمه **نگاشته عیل الله بن احمد انباری (م ۴۵۳ق)**؛ و در انتهای این سده هم شیخ صدوق در مکتب ری کتاب مولد فاطمه **را تحریر نمود**. دوران امامت امام حسن مجتبی **و صلح آن بزرگوار با معاویه** موضوعی است که مؤلفان شیعه بدان توجه کرده‌اند و در این باره تک‌نگاری‌هایی با عنوان کتاب صلح الحسن **کتاب قتل الحسن** **و کتاب قیام الحسن** **به رشتہ تحریر درآورده‌اند**. علاوه بر سه کتاب مزبور، از عبدالله بن کثیر هاشمی، ابو محنف و هشام کلبی کتاب‌های دیگری نیز در خصوص تاریخ زندگانی، فضایل و نیز شهادت آن حضرت از سوی عالمان اغلب شیعه نگاشته شده که می‌توان به کتاب الرسالۃ فی الحسن و الحسین **نوشته ابراهیم تقی کوفی**؛ کتاب مکتب بغداد؛ کتاب قیام الحسن **نوشته ابراهیم تقی کوفی**؛ کتاب اخبار فاطمه و الحسن و الحسین **تألیف ابن ابی ثلح از عالمان سده چهارم بغداد**؛ کتاب صلح الحسن **نگاشته ابن عقدہ (م ۳۳۳ق)** کوفی؛ کتاب ذکر الحسن و الحسین **و کتاب فی أمر الحسن** **اثر مورخ بصری این سده**، یعنی عبدالعزیز بن یحیی جلودی؛ و در نهایت، کتاب فضل الحسن و الحسین **از شیخ صدوق اشاره کرد**.

اما درباره سیدالشہداء **می‌توان گفت**: مقتل نویسی عمدۀ تأییف‌های درباره آن حضرت را دربر می‌گیرد، به گونه‌ای که از قرن اول هجری، که نخستین مقتل توسط/اصبع بن نباته از اصحاب امیر مؤمنان **به منصه ظهور رسید**، تا پایان قرن چهارم، که آخرین اثر گزارش شده از سوی شیخ طوسی یعنی کتاب مقتل الحسین بن علی **شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)** در ری به نگارش درآمده است، هیچ سده‌ای نبوده که در حوزه‌ای از حوزه‌های حدیثی شیعه از بصره، بغداد، ری، قم و بهویژه کوفه که اغلب آثار توسط عالمان آن دیار سامان یافته است، اثری در قالب مقتل درباره امام حسین **نگاشته نشده باشد**. از میان مقتل نویسان سیدالشہداء **می‌توان از بزرگانی همچون جابرین بزید جعفی، ابو محنف، هشام کلبی، نصرین مزراهم، ابراهیم تقی، سلمه بن خطاب، محمد بن احمد بن ابی شعری، محمد بن زکریای بن دینار و عبدالعزیز بن یحیی جلودی نام برد**.

درباره سایر ائمه اطهار **(غیر از امام هادی و امام حسن عسکری)** که هیچ تک‌نگاری وجود ندارد، اثاری بس اندک دربار

تألیفات شکل گرفته در قرن چهارم و پنجم همچون کتاب الموضع فی حروب امیر المؤمنین **اثر حسن بن موسی توینی (م بعد ۳۰۰ق)** (کحاله، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۸)؛ سه گانه‌های جمل و صفين و نهریان، اثر منذرین محمد بن ابی جهم قابویسی (م ۳۰۳ق)؛ و آثار متعدد جلودی؛ و نیز کتاب الجمل، نگاشته شیخ صدوق؛ یگانه اثر قرن پنجم یعنی کتاب الجمل از شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، تنها کتاب شیخ مفید تا به امروز باقی مانده است، هرچند محققان این اثر را یک تأییف تاریخی صرف نمی‌دانند، بلکه آن را در زمرة کتب تاریخی - کلامی قلمداد کرده‌اند که نویسنده آن، از مرکب تاریخ در جهت اثبات عقاید شیعیان در مقابل مخالفانشان (عثمانیه و معتزله) بهره گرفته است (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۳۷۳).

بخش دیگری از درگیری‌های صورت گرفته در زمان امیر مؤمنان **مربوط به دست اندازی های معاویه در بخش‌های تحت حاکمیت امیر مؤمنان** است که در تأییف‌های دانشمندان شیعه با عنوان الغارات مطرح گشته است. این نوع از آثار بسان تأییف‌های فوق، البته در سرتاسر چهار قرن ابتدایی مطمح نظر عالمان شیعه قرار داشته است. از میان آثار بزرگانی همچون ابو محنف، هشام کلبی، نصرین مزراهم، احمد بن محمد بن سیار، ابراهیم تقی، جلودی و منذرین محمد قابویسی، تنها کتاب الغارات ابراهیم تقی (م ۲۸۳ق) تا امروز در دسترس قرار دارد.

درباره فاطمه زهرا **نخستین تأییف درباره خطبه آن حضرت است که ابو محنف در قرن دوم به ثبت آن اقدام نمود**. آخرین اثر گزارش شده در پنج قرن اول درباره ایشان نیز شرح خطبه آن بزرگوار است که توسط ابن عبلون (م ۴۲۳ق) تحت عنوان کتاب تفسیر خطبه فاطمه **به نگارش درآمد**.

موضوع «فدک» در روند تأییف‌های درباره آن حضرت، دو میان دسته از نگارش‌ها را سبب گردید. آثار متعددی که از قرن دوم با کتاب فدک عبدالرحمن بن کثیر هاشمی آغاز گردید و در قرن سوم، بسان سده قبل، تنها از سوی یک تن (ابراهیم تقی) پی گیری شد. البته اهمیت موضوع در قرن چهارم برای عالمان شیعه بیشتر بود، چنان که در اواسط این سده، عبدالله بن احمد انباری (م ۳۵۶ق)، ابوالفرج اصفهانی و مظفرین محمد بلخی خراسانی (م ۳۶۷ق) آثاری را رقم زندن. در انتهای سده سوم، دسته دیگری از آثار نگارش یافت. محمد بن زکریای بن دینار کتابی را در خصوص تاریخ زندگی آن حضرت با عنوان اخبار فاطمه **و منشأها و مولدها** تألیف کرد. رونق این دست از کتب در قرن چهارم بیشتر قابل مشاهده است؛ مانند کتاب

عالمان ابتدای قرن چهارم، یعنی محدثین عبدالله بن مملک الأصحابی (مح ۳۰۳ق) است. پس از این اثر، که تنها نشانگر فعالیت عالمان حوزه ایران است، بیشتر کتاب‌های نوشته در سرتاسر این قرن - بجز یک اثر - متعلق است به مکتب بغداد که این امر با رونق این حوزه در قرن چهارم و پنجم بی‌ارتباط نیست.

کتاب‌های الانوار فی تواریخ الائمه، اسماعیل بن علی نوبختی (م ۳۱۱ق)؛ تاریخ الائمه، اسماعیل بن علی خزاعی؛ اخبار الائمه، ابن مولیدهم، جعفرین محدثین مالک ساپور کوفی؛ تاریخ الائمه، ابن ابی ثلح بغدادی؛ الانوار فی تاریخ الائمه؛ محدثین همام اسکافی (م ۳۳۶ق)؛ اخبار آل ابی طالب، محدثین عمرین سیار تمیمی (م ۳۵۵ق)؛ سیره الصفاء فی تاریخ الائمه، احمدین ابراهیمین ابی رافع (مح ۳۵۵ق)؛ سیره النبی والائمه فی المشرکین، حسین بن علی بنو فرسی (مح ۳۵۵ق)؛ تاریخ الائمه، حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ق)؛ و تاریخ الائمه، صالح بن محمد صرامی از جمله تألیفاتی است که در این زمینه نگاشته شده است. شاید مهم‌ترین تألیفی که در این حوزه به منصه ظهور رسیده و تا به امروز باقی مانده، کتاب الارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳ق) باشد.

۳-۳-۴. مقتل نگاری

کتاب‌های مقتل جزو نخستین گونه‌های تألیفات تاریخی عالمان شیعه به شمار می‌آید؛ چنان که پس از کتاب سلیم بن قیس، کتاب مقتل الحسین بن علی، اصیخ بن نباته، کهنه‌ترین اثر تاریخی شیعیان به حساب می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای مقتل نگاری در قرن نخست تا انتهای قرن چهارم، این گونه تألیفات تاریخی از اهمیت خاصی نزد عالمان شیعه برخوردار بوده و آثار متعدد که ماحصل تلاش‌های ۲۴ تن از عالمان است، تصدیق کننده این مدعاست.

نگاه به تألیفات نگاشته شده بیانگر آن است که بیشتر همت عالمان، در نگارش مقاتل ائمه مصروف گشته و در این بین، بیشترین توجه به مقتل نگاری امیر مؤمنان و سید الشهداء معطوف بوده است. مقاتل اصحاب امامان به ویره یاران حضرت امیر بخش دیگر آثار مقتل نگاران شیعه را به خود اختصاص می‌دهد؛ مانند مقتل محدثین ابی بکر، مقتل حجرین عدی و مقتل میثم تمار. همچنین نگارش مقتل خلیفه سوم به سبب تأثیر آن در دوران حکومت امام علی از نظرگاه عالمان شیعه دور نماند. آنچه از نقش حوزه‌های حدیثی در این عرصه می‌توان نگاشت، بیشتر متوجه به

تاریخ زندگی آنان به نگارش درآمده که بیشتر این تألیفات، حاصل تلاش دو تن از مؤلفان شیعه، یعنی عبدالعزیزین یحیی جلودی و محدثین وهبیان بن محمد، معروف به «دبیلی» در قرن چهارم هجری است. مانند: اخبار علی بن الحسین، اخبار ابی جعفر محدثین علی و اخبار موسی بن جعفر از جلودی و کتاب اخبار الصادق مع المنصور، اخبار الرضا و اخبار ابی جعفر الثاني از محدثین وهبیان بن محمد.

تألیفات تاریخی نگاشته شده از سوی عالمان شیعه درباره حضرت حجت علاوه بر آنکه تاریخ زندگانی و سیره آن حضرت را شامل می‌شود که عمدۀ نگارش‌ها را در بر دارد، جنبه‌های آخرالزمانی، مثل زمان خروج امام عصر و دلایل خروج ایشان نیز موضوع تأثیف برخی از آثار عالمان شیعه در پنج قرن نخست بوده است؛ مثل کتاب وقت خروج القائم، اثر محدثین جمهور عصی؛ و کتاب دلائل خروج القائم و ملاحم، نگاشته حسن بن محمد بصری. در خصوص تاریخ زندگانی و سیره آن حضرت نیز می‌توان به کتاب‌هایی مانند کتاب صاحب الزمان، کتاب سیره القائم، کتاب القائم، کتاب اخبار القائم، کتاب اخبار المهدی و کتاب المهدی، که - به ترتیب - توسط محدثین جمهور عصی، معلی بن محمد بصری، علی بن مهربان اهوازی، فضل بن شاذان نیشابوری، علی بن محمد رازی کلینی، عبادین یعقوب روانجی، عیسی بن مهران مستعطف، و جلودی نگاشته شده، اشاره کرد. نکته جالب توجه در این دسته از کتب، نقش پررنگ مکتب بصره در تأثیف این آثار است؛ زیرا از ۹ اثر گزارش شده در این باب، چهار تأثیف توسط عالمان بصره نوشته شده است.

۲-۳-۴. تواریخ دوازده امام

همت و تلاش عالمان حوزه‌های عراق، به ویره مکتب کوفه در تألیفات مربوط به ائمه اطهار مشهود است. نگاه به تواریخ نوشته شده در باب امامان معصوم بار دیگر گویای صدق گفتار پیشین است. اما این بار نه مکتب کوفه، بلکه عالمان مکتب بغداد در دو قرن چهار و ابتدای پنج، نقش بی‌دلیلی از خود در خلق این دسته از کتب تاریخی به نمایش گزارند. محققان اواسط قرن سوم و کتاب تاریخ آل الرسول یا تواریخ الائمه، اثر نصرین علی جهضمی (م ۲۵۰ق) را نقطۀ آغاز تاریخ نگاری درباره ائمه اطهار می‌دانند (جفربان، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۲۲). اما نخستین کتاب تاریخی ثبت شده در این باره، در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی از مؤلف کتاب موالید الائمه، از

(بیشتر در قالب مقتل) گواه این امر است. همچنین ذکر تاریخ برخی از خلفای اموی همچون معاویه و بزید و نیز بعضی از والیان این دوران همچون زیادین ابیه، حاجج بن یوسف و مطرف بن مغیره از نگاه تاریخ نگاران بر جسته‌ای همچون *ابومحنف*، *ابراهیم تقی* و *عبدالعزیزین* یحیی جلوی دور نمانده است. نکته جالب توجه درباره تاریخ نگاری‌های عصر اموی آن است که مطلق نگارش‌های انجام شده از شروع این بخش از کتب تاریخی (اواسط قرن دوم) تا انتهای قرن سوم، ثمرة تلاش‌های عالمان مکتب کوفه بوده و در سیر نگارش این آثار در قرن چهارم، مکتب بصره و دو مکتب سمرقند و قم نیز به حوزه تألیفی این دسته از کتب افروزده شده و در انتهای سده چهارم و اوائل قرن پنجم نیز تنها اثر مکتب بغداد یعنی کتاب *أخبار جابر الجعفی* توسط *بن عیاش جوهری* (۴۰۱ق) رقم خورده است.

۴-۵. دوران بنی عباس

برای مؤلفان و مورخان شیعه همچون *نصرین مژاهم*، *ابراهیم تقی*، *ابن عقده*، *جلودی* و *دیگرانی* همچون آنان، از میان تحولات عصر عباسی، ثبت حوادث مربوط به قیام‌های متعدد شیعیان در بنی عباس از اهمیت برخودار بوده است. چنان‌که آثار متعدد نگارش یافته همچون خروج *محمد بن عبد الله* و *مقتله*، *أخبار محمد بن ابراهیم* و *أبی السروایا*، *أخبار محمد و ابراهیم*، *أخبار صاحب الزنج*، *أخبار صاحب فتح* و *أخبار یحیی بن عبد الله بن حسن* مؤید این مدعاست.

علاوه بر آن، ذکر تاریخ ادب و شعرای این دوره در قالب تکنگاری، از دیگر فعالیت‌های مؤلفان شیعه به‌ویژه مورخ مکتب بصره یعنی *جلودی* در عرصه تاریخ نگاری است. شعرایی همچون سید *حمیری*، *سفیان بن مصعب عبدی*، *ابونواس*، *رویه بن عجاج* و *سلیف بن میمون* مکی از جمله این افرادند. در بین آنها، سید *حمیری* مورد توجه خاص مؤلفان شیعه قرار داشته و این مطلب از تألیفات متعدد نوشته شده درباره وی توسط مؤلفانی همچون *اسحاق بن محمد بصری*، *عبدالعزیزین* یحیی جلوی بصری، *صالح بن محمد صرای*، *بن عیاش جوهری* و *بن عبدون* قابل استباط است.

در تحلیل حوزه‌های فعال در تأییف این دوره از کتب تاریخی، باید گفت: کوفه در سرتاسر چهار قرن اول، حضوری پررنگ و فعال دارد و مکتب بصره نیز از نیمه قرن سوم، فعالیت خویش را در نگارش این آثار آغاز کرد؛ همچنان که این امر برای مکتب بغداد با

حوزه‌های عراق است. قرن اول، دوم و ابتدای سوم دوران یکه تازی مکتب کوفه بود. مقاتل نوشته شده از سوی *اصبغ بن نباته*، *جابرین* *بزید جعفی* (۱۲۸ق)، *ابومحنف ازدی* (۱۵۷ق)، *عبدالله بن ابراهیم بن ابی طالب* و *هشام کلبی* نمایانگر فعالیت عالمان این دیار است.

از قرن دوم به بعد، حوزه نگارش این دست از آثار در مکتب بغداد از اوایل این قرن، و مکتب بصره و حوزه ایران از نیمه دوم این سده گسترش یافت. از نکات جالب توجه در این قرن، نگارش کتاب *مقتل الحسین بن علی*، از سوی *ابوالحسن مدائی* (۳۲۵م) و دو کتاب *مقتل امیر المؤمنین* و *مقتل الحسین*، از سوی *عبدالله بن محمدمبین ابی الدنیا* (۲۸۱م) در مکتب بغداد است که از فعالیت عالمان عامی مذهب در این قرن پرده بر می‌دارد. حوزه ایران در قم و ری و حوزه عراق در بغداد، بصره و کوفه در قرن چهارم همچنان شاهد فعالیت با نشاط عالمانشان در این عرصه هستند؛ چنان‌که کتاب *مقتل الحسین*، اثر *محمد بن یحیی العطار* و اثر *شیخ صلوق* در همین زمینه در قم و ری و تألیفات متعدد جلوی در بصره و *مقتل الحسین*، نوشته *محمد بن علی بن فضل بن سکین* (ازنده در ۳۴۰ق) در کوفه نشان از این نشاط و شور دارد. شاید در میان آثار این قرن، کتاب *مقاتل الطالبین*، اثر *ابوالفرح اصفهانی* (اصبهانی الأصل بغدادی المنشا - حرامی، بی‌تا، ج، ۲، ص ۱۸۱) بیش از دیگر نگارش‌ها مورد توجه عالمان سده‌های بعد قرار گرفته است و ازین‌رو، توانسته خود را از پس حوادث و قرون مت마다 به دوران کنونی برساند.

۴-۶. دوران بنی امية

بررسی آثار مؤلفان نشانگر آن است که آنچه برای شیعیان در دوره بنی امية از اهمیت بیشتری برخوردار بوده قیام‌های صورت‌گرفته در این عصر است. اهمیت نبرد عین الورده، که به «قیام توابین» شهرت یافت، و نیز قیام مختار یعنی به خون خواهی *حسین بن علی* و قیام زیدبن علی بن الحسین در ابتدای قرن دوم، برای عالمان شیعه، در کتاب *عین الورده*، اثر *نصرین مژاهم*؛ کتاب *التوابین*، نگاشته ابراهیم تقی، کتاب *أخبار المختار*، تأییف *ابومحنف ازدی*؛ و کتاب *أخبار زیدبن علی*، نوشته *جلودی* نمایان است. دغدغه دیگر مؤلفان شیعه از تاریخ دوران سیاه اموی مربوط به زندگانی برخی از اصحاب ائمه اطهار است که تکنگاری‌های نوشته شده درباره افرادی مانند *جابر جعفی*، *صعصعه بن صححان*، *حجج بن علی*، *رشید هجری* و *میثم تمار*

موضوع است. در مقابل، اتفاقات عهد خلافت عباسی بیشتر مدنظر عالمان مکتب بغداد بوده و این توجه شاید با مرکز خلافت بودن بغداد در عهد عباسی بی ارتباط نباشد.

در مکتب بصره نیز تأییفات فراوانی درباره تاریخ ائمه[ؑ] نشان دهنده اهمیت این موضوع برای عالمان این دیار است. در خصوص سایر موضوعات هم تقریباً روند یکسانی در این مکتب پی گرفته شده است. در آخر، آنچه درباره نقش حوزه‌های حدیثی جلب نظر می‌کند حضور بسیار کم‌فروغ عالمان مراکز علمی حوزه ایران و به‌ویژه مکتب قم در نگارش تأییفات تاریخی است؛ به‌گونه‌ای که حتی در باره تاریخ زندگانی ائمه اطهار[ؑ] و سیره‌نویسی هم تنها شاهد تک مؤلفانی از قم و سایر مراکز هستیم. از سوی دیگر، آنچه در خصوص حوزه ایران مهم جلوه می‌کند و به نوعی وجوده تمایز این حوزه با حوزه عراق به حساب می‌آید، مشارکت مراکز علمی آن است. به عبارت دیگر، تنوع مراکز علمی ایران در این دست از آثار به مراتب بیش از حوزه عراق است و صدق این مدعای حضور مراکزی همچون قم، ری، اهواز، آمل، سمرقند، نیشابور، خراسان (بلخ)، اصفهان و نهاوند قابل ملاحظه است.

در خصوص نقش مراکز علمی حوزه ایران، باید گفت: توجه عالمان این حوزه در نگارش موضوعات تاریخی متفاوت بوده است؛ مثلاً در نگاشتن آثار تاریخی درباره زندگانی ائمه[ؑ] شاهد حضور - تک مؤلفان - و مشارکت بیشتر مراکز علمی حوزه ایران هستیم، به‌گونه‌ای که در قرن سوم و چهارم هجری، عالمان هشت حوزه علمی در ایران به نگارش در این زمینه دست زدن؛ امری که در موضوعاتی مثل تاریخ خلفاً و حوادث آن دوران و همچنین تاریخ عهد بنی امیه و بنی عباس کمترین توجه - تنها در قرن چهارم توسط تک مؤلفان سه مرکز قم، ری و سمرقند - را از سوی مراکز علمی ایران دربرداشت.

۵. تاریخ عمومی

در میان تأییفات تاریخی گزارش شده از عالمان شیعه، آثاری به چشم می‌خورد که از جامعیت برخوردارند. این آثار، که از آنها به «تواریخ عمومی» یاد می‌شود، شامل کتاب‌هایی است که در محدوده یک موضوع نمی‌گنجند. به عبارت بهتر، تواریخ عمومی، کتبی هستند که محدود به هیچ قیدی از زمان، مکان، شخص و موضوع مشخص نیستند (امامی فر، ۱۳۸۳، ص ۵۲). از این‌رو است که برخی از محققان،

یک قرن فاصله، از اواسط قرن چهارم با تألیف دو کتاب/خبر اخبار صاحب النزوح و اخبار السید، اثر احمد بن ابراهیم بن معنی (م ۳۵۰) اتفاق افتاد. در کنار همت والای عالمان حوزه عراق، وجود تنها یک اثر از مکتب قم نشانگر بی‌رغبتی حوزه ایران در این باب از کتب تاریخی است.

در تحلیل تاریخ‌نگاری پس از ظهور اسلام، باید گفت: که تاریخ‌نگاری درباره ائمه اطهار[ؑ] (تکنگاری و جامع‌نگاری) بیشترین حجم از آثار تاریخی مؤلفان شیعه در پنج قرن نخست است. سیره نبی اکرم[ؑ] مبحث دیگری است که تأییفات متعددی را به ارمغان آورده است. اخبار دوران خلفاً و حوادث مهم این دوران نیز از آنچاکه با تاریخ تنشیع ارتباط تنگاتنگی داشته توجه مؤلفان و مورخان شیعه را جلب کرد، همچنان که در خصوص تاریخ دوره بنی امیه و بنی عباس بیشتر نگارش‌ها حول حوادث تأثیرگذار این دو دوره صورت پذیرفته که برای جامعه شیعیان دارای پیامدهای مهمی بوده است.

در خصوص نقش حوزه‌های حدیثی نیز باید گفت: هریک از مراکز علمی شیعه، چه در عراق و چه در ایران، سهمی در نگاشته‌های تاریخی بر عهده دارند. اما در این بین، نقش مراکز علمی حوزه عراق، به‌ویژه مکتب کوفه بسیار مشهود و غیرقابل چشم‌پوشی است؛ چنان که تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده ابتدایی، مرهون تلاش‌های عالمان مکتب کوفه است. البته عالمان این دیار هم در نگارش‌های تاریخی خود، عملکرد یکسانی نداشتند؛ مثلاً، برای عالمان کوفه تاریخ زندگانی ائمه معصوم[ؑ]، سیره بنوی و حوادث دوران خلفاً در اولویت قرار داشت و در سایر مباحث حضور کم‌اثرتری دارند. دیگر مراکز علمی حوزه عراق مانند بغداد و بصره، هریک به فراخور خود، کوشش‌هایی را از خود بروز داده‌اند و برخلاف کم‌فروغی مشهود در نگارش آثار پیش از اسلام از این دو حوزه، در نگارش این دست از آثار، حضور مؤثرتری از خود نشان داده‌اند.

در مکتب بغداد، در بیشتر موضوعات - بجز مبحث تاریخ ائمه[ؑ] و دوران بنی عباس - فعالیت عالمان از قرن سوم به بعد بوده است. در این مکتب، توجه به تاریخ امامان[ؑ] - به‌ویژه جامع‌نگاری در این‌باره که مرهون عالمان این دیار است - و سیره‌نویسی دارای اهمیت بسزایی بوده است و این را می‌توان از آثار متعدد نگاشته‌شده ملاحظه کرد. برخلاف عالمان مکتب کوفه، که به حوادث دوران خلفاً بسیار توجه کرده‌اند، اما برای عالمان بغدادی بجز یک اثر، تأییفی گزارش نشده که این امر نشانگر بی‌رغبتی عالمان این سرزمین نسبت به این

۵. حوزه‌های حدیثی شیعه، چه در مجموع و چه هریک به‌نهایی، در خصوص تأییف هریک از موضوعات تاریخی، چه آثار مربوط به پیش از اسلام و چه پس از اسلام، عملکرد یکسانی نداشته‌اند. ع جمع‌بندی بررسی نقش‌های حوزه‌های حدیثی شیعه در مناطق گوناگون، نشان می‌دهد تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده ابتدایی مرهون تلاش‌های عالمان مراکز علمی حوزه عراق است، و در این بین، مکتب کوفه نقش بی‌بدلیلی را از خود بروز داده است. در مقابل، مراکز علمی ایران در تاریخ‌نگاری شیعه حداقل مشارکت را داشته‌اند.

سده‌های نخست را عاری از این نوع کتاب‌های تاریخی دانسته و تأییفات نوشته شده در این دوره زمانی را در حد تک‌نگاری‌هایی حول یک رویداد برشمرده و شروع کتاب‌هایی از این دست را از اواخر قرن دوم و به‌طور مشهود و ملموس‌تر، از سده سوم می‌دانند. این آثار، وام‌دار رساله‌ها و کتابچه‌های تأییفی قرون ابتدایی است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۶). هرچند تاریخ یعقوبی در شیعه و تاریخ طبری در میان آثار عامه، شواهدی مناسب برای این نوع از کتب محسوب می‌شوند، اما مصدقی که در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی برای تواریخ عمومی مناسب است دارد، عبارت است از: دو کتاب *أخبار الزمان من الأمم الماخضية والأحوال الخالية و مروج الذهب ومعادن الجواهر*، اثر مسعودی مورخ قرن چهارم هجری. همچنین در میان آثار مؤلفان شیعه، کتب متعددی با عنوان «کتاب التاریخ» وجود دارد که مقید به موضوع خاصی نشده است. شاید بتوان این دست از کتب را نیز در زمرة تواریخ عمومی جای داد.

نتیجه‌گیری

۱. نگارش درباره تاریخ انبیاء، ایام‌العرب و انساب‌نگاری سه موضوعی است که نگارش‌های تاریخی شیعیان را درباره دوران پیش از اسلام تشکیل می‌دهد.

۲. توجه به سیره نبوی، تاریخ دوران خلفا (به‌ویژه خلیفه سوم، بیشتر در قالب مقتل‌نگاری) و حوادث مهم این دوران، مثل مسئله سقیفه و شورای شش نفره، همچنین تک‌نگاری در خصوص زندگانی و حوادث دوران هریک از ائمه اطهار و جامع‌نگاری در این زمینه، به علاوه توجه به عصر اموی و عباسی، به‌ویژه قیام‌های صورت‌گرفته در این دوران، بیشتر تأییفات تاریخی عالمان شیعه درباره دوران پس از ظهور اسلام را شامل می‌شود.

۳. سیر تأییف آثار تاریخی نگاشته شده در موضوعات گوناگون، روند یکسان و ثابتی نداشته، بلکه سیر تأییفات حکایت از فرازونشیب‌ها و اقبال و ادب‌هایی دارد که از سوی عالمان برای هریک از این موضوعات در زمان‌های متفاوت صورت پذیرفته است.

۴. بیشتر تأییفات تاریخی شیعیان معطوف به تاریخ شیعه، یعنی زندگانی ائمه اطهار بوده است تا تاریخ اسلام؛ و تأییف در سایر موضوعات نیز بیشتر به‌واسطه اثرگذاری شان بر تاریخ تشیع مطمئن‌نظر مؤلفان و مورخان شیعه بوده است.

.....منابع.....

- ، ۱۴۰۹ق، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.
- عالی، محمدرضا، ۱۳۹۳، *انساب‌نگاری شیعه تا پایان قرن هفتم*، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- فائدان، اصغر، ۱۳۹۰، «تأثیر روایت ایام العرب بر مغایزی و فتوح نگاری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال سوم، ش ۹، ص ۷۱-۹۶.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب کحاله، عمر رضا، بی‌تله، *معجم المؤلفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۸۳، *میراث مکتوب شیعه*، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۵ق، *مروج النہب*، بیروت، دارالمهجره.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۸ق، *رجال النجاشی*، بیروت، دارالاخواة.
- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، ۱۳۶۴، *الرجال لابن الغضائیر*، قم، دارالحدیث.
- هدایت‌پنا، محمدرضا، ۱۳۹۵، *منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- یاوری سرتختی، محمد جواد، ۱۳۸۶ق، «مقتل نگاری شیعیان از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری»، *تاریخ اسلام*، ش ۳۲، ص ۷-۴۰.
- دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۹۶۹م، *المعارف*، مصر، دار المعرف.
- راون، وین، ۱۳۹۱، «سیره و قرآن»، ترجمه نصرت نیل‌ساز، آینه پژوهش، سال بیست و سوم، ش ۱۳۴، ص ۲۱۵.
- روزنال، فرانس، ۱۳۶۵، «تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام»، مشهد، آستان قدس رضوی.
- زرکلی، خیر الدین، ۱۹۸۰م، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملايين.
- زربن کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۷، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- سجادی، صادق، ۱۳۸۰، «ایام العرب»، در: *دانشنامه المعرف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دانشنامه المعرف بزرگ اسلامی.
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰، «تاریخ نگارش‌های عربی»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۳ق، *دلال الامامة*، قم، بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲ق، *الفهرست*، بی‌تله، مؤسسه النشر الفقاهه.
- ، ۱۳۷۳، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۹۰ق، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن حبیل، احمد، بی‌تله، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر.
- ابن سعد، محمد بن، بی‌تله، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۸ق، *البداية والنهاية*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- ابن نذیم، محمد بن اسحاق، بی‌تله، *الفهرست*، بی‌تله، بی‌تله.
- امامی فر، علی، ۱۳۸۳، «تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم»، قم، پارسایان.
- آقابرگ طهرانی، محمدحسن، ۱۴۰۳ق، *النریعة إلى تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء.
- آینه‌وند، صادق، ۱۳۸۷، «علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- برقی، احمد بن محمد، ۱۳۴۲، *رجال البرقی*، تهران، دانشگاه تهران.
- بغدادی، اسماعیل باش، بی‌تله، *هدیة العارفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- تسنی، محمدنتی، ۱۴۱۹ق، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۳، *منابع تاریخ اسلام*، تهران، علم، ۱۳۹۰، *حیات فکری - سیاسی امامان شیعه*، تهران، علم.
- جوهری، احمد بن العزیز، بی‌تله، *السقیفه و فدک*، تهران، مکتبه نیوی الحدیثه.
- حاجی خلیفه، بی‌تله، *کشف الظنون*، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- حرعامی، محمدبن حسن، بی‌تله، *أمل الأمل*، بغداد، مکتبه الأندرس.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، *معجم الأدباء*، بیروت، دارالفکر.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالكتاب العلمیه.
- داداش‌نژاد، منصور، ۱۳۸۶ق، «تاریخ نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، نامه *تاریخ پژوهان*، ش ۱۰، ص ۴۵-۸.